



A Practical Analysis of Waiting in Strengthening the Spirit of Resistance and Avoiding the Spirit of Haste

Hossein Elahinejad¹

Received: 07/06/2021

Accepted: 17/11/2021

Abstract

Waiting (for Imam Mahdi's reappearance) is justified as a comprehensive and wide-ranging teaching with two trans-denominational and trans-religious approaches and plays a fundamental and important role in organizing the individual and social life of the Savior believers. In this study, among the various functions of the waiting in individual and social affairs, the two issues of resistance and haste with a negative and positive attitude are discussed. In a positive approach, this paper proves the role of the waiting in strengthening the spirit of resistance and tolerance, and in a negative approach, it denies the spirit of haste with a library method along with explaining data through descriptive and analytical methods. Undoubtedly, an important issue and challenge that sometimes can be seen among the waiters and disrupts their personal and social lives, is the spirit of impatience and haste for the issue of reappearance (of Imam Mahdi). This study focuses on answering and resolving this problem and strengthening the spirit of patience and resistance among the waiters by using the arguments of the Qur'an and narration along with thematic analyses.

Keywords

Mahdism, Waiting, practical analysis, the spirit of resistance.

1. Associate professor, Islamic Sciences and Culture Academy. hosainelahi1212@gmail.com.

* Elahinejad, H. (1400 AP). A Practical analysis of waiting in strengthening the spirit of resistance and avoiding the spirit of haste. *Journal of Mahdavi Society*, 2(3), pp. 37-58.

DOI: 10.22081/JM.2021.61113.1028



تحلیل کارکردگرایانه انتظار در تقویت روحیه مقاومت

و پرهیز از روحیه شتاب‌زدگی

حسین الهی‌نژاد^۱

تاریخ پذیرش ۱۴۰۰/۰۸/۲۶

تاریخ دریافت ۱۴۰۰/۰۳/۱۷

چکیده

انتظار به‌عنوان آموزه‌ای فراگیری و پردامنه با دو رویکرد فرامذهبی و فرادینی توجیه شده و نقش اساسی و مهمی در ساماندهی زندگی فردی و اجتماعی باورمندان منجی دارد. در این پژوهش در میان کارکردهای مختلف انتظار در امور فردی و اجتماعی به دو مقوله مقاومت و استعجال با نگرش سلبی و ایجابی پرداخته می‌شود که در نگرش ایجابی به اثبات نقش انتظار در تقویت روحیه مقاومت و تاب‌آوری و در نگرش سلبی به نفی روحیه شتاب‌زدگی و استعجال با شیوه کتابخانه‌ای همراه با تبیین اطلاعات با روش توصیفی و تحلیلی مبادرت می‌شود. بی‌شک مسئله و چالش مهمی که گاه در میان منتظران دیده شده و موجب اختلال در زندگی فردی و اجتماعی آنها می‌شود، روحیه کم‌حوصلگی و شتاب‌زدگی در امر ظهور است که در این نوشتار برای پاسخگویی و برون‌رفت از این مسئله و برای تقویت روحیه صبر و مقاومت در میان منتظران با بهره‌گیری از استدلال‌های قرآن و روایی همراه با تحلیل‌های مضمونی به تحقیق و پژوهش در این‌باره پرداخته شده است.

کلیدواژه‌ها

مهدویت، انتظار، تحلیل کارکردگرایانه، روحیه مقاومت.

hosainelahi1212@gmail.com

۱. دانشیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران.

* الهی‌نژاد، حسین. (۱۴۰۰). تحلیل کارکردگرایانه انتظار در تقویت روحیه مقاومت و پرهیز از روحیه شتاب‌زدگی.

دوفصلنامه علمی - تخصصی جامعه‌شناسی کاربردی، ۲(۳)، صص ۳۷-۵۸. DOI: 10.22081/JM.2021.61113.1028

مقدمه

انتظار با نگرش کارکردگرایانه دارای آثار و فواید بسیاری است این آثار و فواید با دو رویکرد فردی و اجتماعی توجیه می‌شود. آثار فردی نظیر فضل‌آوری، تاب‌آوری، نجات‌آوری، تکلیف‌آوری، امیدآوری و آثار اجتماعی نظیر ظلم‌ستیزی، عدالت‌محوری، همگرایی و تمدن‌سازی که در این نوشتار در میان آثار مختلف فردی و اجتماعی، تنها به آثار فردی و در میان آثار گوناگون فردی تنها به دو کارکرد یعنی مقاومت (تاب‌آوری) و نفی شتاب‌زدگی پرداخته می‌شود. بر این اساس مقوله انتظار با رویکرد کارکردگرایانه و با روش توصیفی و تحلیلی به بیان زمینه‌های تقویت شاخصه مقاومت و تاب‌آوری و با رویکرد سلبی به نفی شاخصه استعجال و شتاب‌زدگی می‌پردازد. در این خصوص براساس تتبع صورت گرفته دو مقاله «تبیین قرآنی نقش مقاومت در حکومت جهانی مهدوی» به قلم نگارنده (الهی‌نژاد، ۱۳۹۹) و «راهبردهای مقاومت در دوره انتظار از منظر قرآن کریم» به تألیف محمد سحرخوان (سحرخوان، ۱۳۹۹) نگارش شده است که هر دو اثر تنها با محوریت قرآن تنظیم و تحقیق شده‌اند که اثر حاضر علاوه بر مستندات قرآنی از مستندات روایی و تحلیل مضمونی نیز استفاده خواهد کرد.

۱. مفهوم‌شناسی

۱.۱. مفهوم انتظار

انتظار از مترادف‌های معنایی تائی و ترقب است و در لغت به معنای تأمل کردن، چشم‌داشتن، چشم به راه بودن، امیدداشتن و امیدوار بودن است (ابن‌منظور، ۱۴۱۶ق، ج ۵، ص ۲۱۹). آنچه باعث تمایز این واژه از مترادف‌های آن می‌شود، وجود خاصیت «مطاوعه» در معنای آن است که به‌طور کلی از خصوصیات باب افتعال به شمار می‌رود. «مطاوعه» به معنای تأثیرپذیری است و بدین سبب معنای واژه انتظار برابر با «چشم به راه شدن» خواهد بود. از مطلب گفته‌شده به این نتیجه می‌رسیم که «انتظار» حالت و وصفی است که بر شخص متأثر، سلسله‌اموری مترتب می‌شود و بین وی و آنچه منتظر آن است رابطه تأثیر و تأثر برقرار است.

از آنجایی که مقوله انتظار با دو رویکرد عام و خاص، و مثبت و منفی توجیه پذیر است (الهی‌نژاد، ۱۳۹۵، ص ۳۴)، در معنای اصطلاحی نیز باید همین دو رویکرد را مد نظر قرار داد.

رویکرد اول (انتظار عام و خاص): انتظار عام به معنای امید و امیدواری جهت گشایش و فراخی کار در همه امور زندگی است که این امور زندگی به دنیایی و اخروی، و فردی و اجتماعی تقسیم می‌شود و امور اجتماعی نیز شامل همه ابعاد آن نظیر مشکلات اقتصادی و سیاسی می‌شود و انتظار خاص یعنی انتظاری که متعلق خاص دارد و این متعلق خاص یک بار یکی از ابعاد انتظار است نظیر انتظار گشایش از مشکلات امور دنیایی یا گشایش از امور آخرتی و بار دیگر مقصود از متعلق خاص یکی از مصادیق انتظار است، نظیر انتظار ظهور امام زمان عجل الله فرجه؛ به بیان دیگر انتظار فرج به معنای تهییج و ترقب (حرانی، ۱۳۶۳، ص ۱۰۶) یا به معنای آمادگی روحی و عملی برای ظهور امام زمان عجل الله فرجه جهت یاری‌رساندن به آن حضرت است که در این خصوص باید از کارهایی که با این عمل منافات دارد دوری کرد (خویی، ۱۴۱۳ق، ج ۵، ص ۳۱۹). این نوع انتظار مورد قبول همه مسلمانان از جمله اهل سنت است (الهی‌نژاد، ۱۳۹۵، ص ۲۰) پس انتظار باوری است اسلامی که اختصاص به شیعه ندارد، بلکه همه باورمندان اسلامی بدان اعتقاد دارند (آصفی، ۱۳۸۱).

رویکرد دوم (انتظار مثبت و منفی): انتظار مثبت در اصطلاح دارای سه مؤلفه اساسی است که با این سه مؤلفه از انتظار منفی بازشناسی می‌شود. مؤلفه اول رضایت‌نداشتن از وضعیت موجود، مؤلفه دوم امیدواری به آینده مطلوب و مؤلفه سوم آمادگی و حرکت به سوی وضعیت مطلوب و رسیدن به جامعه ایدئال مهدوی است. با هر کدام از این سه مؤلفه یا به صورت فردی یا به صورت جمعی انتظار مثبت از انتظار منفی جداسازی می‌شود؛ چنان که امام جواد علیه السلام درباره واژه منتظر و معنای آن می‌فرماید: «سَمِيَ الْمُنتَظِرَ لِإِنْتِظَارِ الْمُحْلِصِينَ حُرُوجَهُ بَعْدَ غَيْبَتِهِ لَهُ غِيْبَةٌ يُطَوَّلُ أَمَدُهَا» (بیاضی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۳۱)؛ نام‌گذاری مهدی علیه السلام به منتظر به جهت انتظاری است که مخلصان بعد از غیبت او می‌کشند و برای او غیبت طولانی است.

۲-۱. مفهوم کارکرد

محوری‌ترین مفهوم در نظریه کارکردگرایی واژه «کارکرد» است که به معنای نتیجه و اثری است که در علم جامعه‌شناسی به معنای انطباق یا سازگاری یک ساختار معین، یا اجزای آن با شرایط لازم محیط است (ویلیام، گولد، ۱۳۹۲، ص ۶۷۹). منظور جامعه‌شناسان از مفهوم کارکرد (Function) در اصطلاح کارکردگرایی (Functionalism) اثری است که پدیده‌های اجتماعی از خود بر جای می‌گذارند (اسکیدمور، ۱۳۷۲، ص ۱۴۲). کارکرد در جامعه‌شناسی نیز دارای معنای متفق‌علیه نیست؛ ولی کلی‌ترین معنای کارکرد در جامعه‌شناسی، همان نتیجه و اثر است که انطباق یا سازگاری یک ساختار معین یا اجزای آن با شرایط لازم محیط است (ویلیام، گولد، ۱۳۹۲، ص ۶۷۹). اصطلاح کارکرد به دو گونه عام و خاص تعریف می‌شود که با نگرش خاص مخصوص مکتب کارکردگرایانه است و در جامعه‌شناسی کاربرد دارد؛ ولی در اصطلاح عام به معنای «نقش»، «غایت»، «فایده»، «نتیجه» و... است و اختصاص به حوزه خاصی ندارد. بر این اساس در این نوشتار از کارکرد، معنای عام اراده می‌شود.

۳-۱. مفهوم مقاومت

از نظر کتاب‌های لغوی واژه مقاومت از ماده «قام» است و به معنای قوت و نیرو (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۶، ص ۱۴۸) استواری، ایستادن و استقامت (ابن‌منظور، ۱۴۱۶ق، ج ۱۲، ص ۴۹۹) الزام و ثبات (اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۶۹۳) اعتدال و استوار (زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۷، ص ۵۹۳) و استواری (بستانی، ۱۳۵۷، ص ۶۳) آمده است. معنای مقاومت این است که انسان راهی را انتخاب کند که آن را راه حق می‌داند، راه درست می‌داند، و در این راه شروع به حرکت کند و موانع نتواند او را از حرکت در این راه منصرف کند و او را متوقف کند؛ این معنای مقاومت است (خامنه‌ای، ۱۴/۳/۹۸).

۴-۱. انتظار و تاب‌آوری (مقاومت)

مقاومت و تاب‌آوری از جمله مقولات مهم و تأثیرگذاری است که نقش اساسی در

زندگی فردی و اجتماعی بشر دارد. این مقوله در آیات و روایات مختلفی به صورت فراگیر آمده است. در قرآن مشتقات واژه مقاومت فراوان به کار رفته است: «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا؛ درحقیقت کسانی که گفتند پروردگار ما خدا است، سپس ایستادگی کردند» (فصلت، ۳۰). «و فَاسْتَقِيمْ كَمَا أُمِرْتُ؛ پس همان گونه که دستور یافته‌ای ایستادگی کن» (هود، ۱۱۲). «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ؛ محققاً کسانی که گفتند پروردگار ما خداست، سپس ایستادگی کردند، بیمی بر آنان نیست و غمگین نخواهند شد» (احقاف، ۱۳). «فَمَا اسْتَقَامُوا لَكُمْ فَاسْتَقِيمُوا لَهُمْ؛ یعنی تا مشرکان در پیمان خود با شما ثابت ماندند، شما هم در برابر آنان در پیمان خویش ثابت باشید» (توبه، ۷). «قَالَ قَدْ أُجِيبَتْ دَعْوَتُكُمَا فَاسْتَقِيمَا؛ فرمود: دعای هر دوی شما پذیرفته شد. پس ایستادگی کنید» (یونس، ۸۹).

مقاومت و استواری که بسیار مورد تأکید قرآن و سنت بوده و اسلام بسیار مسلمانان را بدان توصیه می‌کند، دارای دو عامل مهم است: ۱. تقابل حق و باطل، ۲. صبر و بردباری. یکی در شکل‌گیری مقاومت و دیگری در استمرار و تداوم آن و به بیان دیگر یکی در قالب علت محدثه و دیگری در قالب علت مبقیه نقش ایفا می‌کنند. تقابل و کشمکش حق و باطل که دیرین‌ترین و پرگستره‌ترین تقابل‌ها به شمار می‌آید، تضمین‌کننده شکل‌گیری مقاومت در انسان شناخته می‌شود که بعد از شکل‌گیری مقاومت، تداوم و استمرار آن نیز به واسطه شاخصه صبر اجرایی و عملیاتی می‌شود. گستره تقابل حق و باطل علاوه بر تکوینیات، شامل حال تشریعیات و نیز علاوه بر امور فردی، امور اجتماعی را نیز در بر می‌گیرد. رویکرد تقابل حق و باطل در ابعاد وسیعی نظیر بعد سیاسی، بعد فرهنگی، بعد دینی، بعد تمدنی، و بعد اقتصادی مطرح است. در دوران ظهور و حکومت جهانی مهدوی تقابل حق و باطل میان منجی و یاران او از یک طرف و مخالفان منجی و پیروانشان از طرف دیگر به اوج و نهایت خود می‌رسد؛ یعنی جبهه حق با تمام خوبی‌ها و جبهه باطل با همه شرارت‌ها رو در روی هم قرار می‌گیرد و

فراگیرترین و گسترده‌ترین جنگ خیر و شر که در تاریخ بشریت بی‌سابقه بوده رخ می‌دهد. بی‌شک هرچه این مصاف گسترده‌تر و عمیق‌تر باشد، مقاومت و تاب‌آوری نیز گسترده‌تر و عمیق‌تر خواهد بود. براساس داده‌های قرآنی و روایی در راستای شکل‌گیری ظهور و تشکیل حکومت واحد جهانی علاوه بر صبر و مقاومت رهبر، صبر و مقاومت یاران و شهروندان او نیز لازم و ضروری است؛ زیرا در این ستیز و مبارزه، همه کفر با همه عواملش در برابر همه ایمان با همه نیروهایش قرار می‌گیرد و سرنوشت این مبارزه برای هر دو جبهه مهم و تأثیرگذار است که در صورت پیروزی، آینده و حیاتشان تأمین و در صورت شکست، نیستی و نابودی‌شان حتمی خواهد بود؛ از این رو جبهه حق یعنی امام مهدی علیه السلام و یاران او با همه قدرت و مقاومت، و با به‌کارگیری همه نیروهای زمینی و آسمانی به مصاف دشمن خواهند رفت و زمین را برای همیشه از لوٹ کفر، نفاق و بی‌دینی پاک‌سازی می‌کنند.

بنابر این شاخصه مقاومت و تاب‌آوری در شکل‌گیری و تداومش وابسته به دو عامل اساسی به نام «تقابل حق و باطل» و «مقوله صبر» است که یکی نقش خاستگاه و علت محدثه و دیگری نقش تداوم‌گر و علت مبقیه را ایفاء می‌کند و اوج این تقابل، مقاومت و صبر در دوران ظهور به منصف ظهور می‌رساند.

۵.۱. انتظار نداعی‌گر مقاومت

مقوله انتظار همیشه با مقوله مقاومت و صبر همراه و عجین است و انتظار بدون صبر و مقاومت، و صبر و مقاومت بدون انتظار معنا ندارد و اصلاً انتظار صحیح که انتظار عملی است و تحقق‌بخشی ظهور است با مقوله صبر و مقاومت تحقق پیدا می‌کند. بر این اساس رابطه صبر و مقاومت با انتظار، رابطه دوسویه است؛ یعنی انتظار الهام‌بخش صبر و مقاومت، و صبر و مقاومت بسترساز انتظار صحیح و ظهور است و این رابطه یعنی رابطه الهام‌بخشی انتظار نسبت به مقاومت از دو طریق قابل توجیه است.

۲. برداشت صبر و مقاومت از مفهوم انتظار

وقتی واژه انتظار و مفاهیم همسو با آن را مورد واکاوی و واشکافی دقیق قرار می‌دهیم، از همه آنها به نوعی مفهوم درنگ کردن و صبر کردن برداشت می‌شود؛ یعنی مفهوم صبر مفهوم مشترکی است که در همه آنها به نحوی با دلالت التزامی قابل برداشت است. پس معنای «انتظار» یعنی منتظر بودن و صبر کردن برای رخداد ظهور، معنای «چشم به راه بودن» یعنی چشم‌دوختن و صبر کردن برای رخداد ظهور، معنای «امیدداشتن» یعنی امیدوار بودن و صبر کردن برای آمدن منجی و... در انتظار و همه مفاهیمی همسو با آن به نوعی مفهوم صبر خوابیده است که این نشان از عجین بودن مفهوم صبر با مفاهیم انتظار است؛ پس از طرفی شاخصه صبر همیشه همراه و همدوش شاخصه انتظار قرار دارد و از طرف دیگر همیشه از تداوم و پیوستگی شاخصه صبر شاخصه مقاومت متولد می‌شود؛ پس نتیجه گرفته می‌شود صبر از مفهوم انتظار و مقاومت از تداوم صبر قابل برداشت است؛ پس شاخصه انتظار به نوعی الهام‌بخش صبر و مقاومت است.

۳. صبر و مقاومت از منظر روایات انتظار

دوران غیبت و انتظار به جهت وجود شاخصه‌های انحصاری نظیر پنهان زیستی امام و دسترسی‌نداشتن مردم به او از دوره‌های دیگر متمایز گذشته و دارای تکالیف و برنامه‌های ویژه‌ای است. بر این اساس معصومان علیهم‌السلام در روایات مختلف به جهت فراوانی انحرافات و لغزش‌ها در عصر غیبت و کثرت چالش‌ها و مخاطرات در آن، هشدارهای لازم را به شیعیان داده و برای رهایی و نجات از این لغزشگاه‌ها و معضلات اجتماعی راهکارهای مختلفی ارائه داده‌اند که کاربست صبوری، بردباری، مقاومت و تاب‌آوری از جمله آنها است.

چنان‌که پیامبر گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در خصوص همراهی انتظار و صبر می‌فرماید: «اِنَّتَظْرًا
الْفَرَجَ بِالصَّبْرِ عِبَادَه؛ انتظار فرج همراه با صبر عبادت به شمار می‌رود» (قضاعی، ۱۴۰۲ق، ص ۱۶).
در این روایت حضرت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به بیان شدت رابطه میان انتظار و صبر پرداخته و

این رابطه را اولاً رابطه عملی دانسته نه قولی و قلبی و ثانیاً نوع این عمل را در قالب عبادت که عالی‌ترین و مقدس‌ترین نوع عمل است می‌داند.

در همین خصوص امام رضا علیه السلام در روایتی به بیان رابطه میان صبر و انتظار پرداخته و آن را از جمله نیکوترین رابطه تعریف کرده است و در ادامه علت این نیکبودن رابطه را به سختی دوران غیبت و انتظار و یأس فراگیری که بر مردم و جامعه مستولی می‌شود می‌داند: «مَا أَحْسَنَ الصَّبْرَ وَ انْتِظَارَ الْفَرَجِ أَمَا سَمِعْتَ قَوْلَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ ارْتَقِبُوا إِنِّي مَعَكُمْ رَقِيبٌ فَأَنْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنتَظِرِينَ فَعَلَيْكُمْ بِالصَّبْرِ فَإِنَّهُ إِنَّمَا يَجِيءُ الْفَرَجُ عَلَى الْيَأْسِ فَقَدْ كَانَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ أَصْبَرَ مِنْكُمْ؛ چقدر صبر و انتظار فرج خوب است. آیا نشنیدی گفته خدای عز و جل را «انتظار برید که من هم با شما انتظار برنده‌ام» (هود، ۹۳). بر شما باد که صبر کنید؛ زیرا فرج در نومیدی می‌آید و هر آینه کسانی که پیش از شما بودند، از شما صابرتر بودند» (صدوق، ۱۳۹۵ق، ج ۲، ص ۶۵۴).

بی‌تردید معصومان علیهم السلام در خصوص صبر و انتظار بسیار سفارش کرده‌اند و تأکیدات جدی در روایات درباره رابطه و تعامل آن دو به میان آمده است، به طوری که اصل زیبایی و کمال صبر با وجود انتظار و اصل کاربرد و کارکرد انتظار در کنار صبر توجیه پذیر شده و همچنین به جهت اهتمام این تعامل و رابطه، مقولات صبر و انتظار از حوزه رفتاری به حوزه عبادی انتقال یافته و جزو بهترین و برترین عبادات دانسته شده است. بی‌تردید همه این موارد به سبب این است که منتظران بدانند در عصر غیبت با معضلات و مشکلات بسیاری روبرو می‌شوند و عبور از آنها بدون ابزار صبر و بردباری ممکن نیست و به سبب همین فزونی سختی‌ها و مشکل بودن حرکت در این مسیر، معصومان علیهم السلام دائماً به مردم عصر غیبت درس صبوری و مقاومت و مشق بردباری و سخت‌کوشی داده‌اند.

پس تمرین زندگی صبورانه و مشق سخت‌زیستی، یکی از وظایف مهم مردم در عصر غیبت است؛ یعنی منتظران واقعی باید در امور دنیا صبر و بردباری را پیشه خود سازند و از شتاب‌زدگی و عجله‌کاری که عامل سقوط و هلاکت بشر و جوامع بشری

است، اجتناب کنند. به خصوص در مورد مهم‌ترین کار در عصر غیبت که همان رخداد ظهور است، بی‌تردید فرد منتظر باید بداند که در این عصر که با پنهان زیستی امام روبرو است چه وظیفه و رسالتی دارد و باید بداند که رسالت اصلی و واقعی او حرکت کردن در مسیر اهداف و غایات متعالی نهضت جهانی است که در این خصوص با اجرای الگوها و ارزش‌های سبک نوین زندگی مهدوی در جامعه و با نهادینه کردن آنها در همه سطوح و زوایای زندگی و گسترش آنها در میان همه اقشار و آحاد مردم در مسیر زمینه‌سازی ظهور گام بردارد و غایت و نهایت کار را که همان رخداد ظهور است، به خدا واگذار کند و در این خصوص شتاب‌زدگی بخرج ندهد؛ چنان‌که پیامبر گرامی اسلام ﷺ در مورد زندگی صبورانه مردم آخرالزمان می‌فرماید: «سَيَأْتِي قَوْمٌ مِّنْ بَعْدِكُمُ الرَّجُلُ الْوَاحِدُ مِنْهُمْ لَهُ أَجْرٌ خَمْسِينَ مِنْكُمْ قَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ نَحْنُ كُنَّا مَعَكَ يَبْدُرُ وَأَحَدٍ وَحَيْنٍ وَ نَزَلَ فِيْنَا الْقُرْآنُ فَقَالَ إِنَّكُمْ لَوْ تَحَمَّلُوا لِمَا حُمِّلُوا لَمْ تَصْبِرُوا صَبْرَهُ؛ مردمی بعد از شما خواهند آمد که یک مرد آنها ثواب پنجاه نفر از شما را دارد. اصحاب عرض کردند: یا رسول الله! ما در جنگ بدر و احد و حنین در رکاب شما پیکار کرده‌ایم و قرآن در میان ما نازل شده است (یعنی چطور می‌شود که مردمی بیایند که یک نفر آنها ثواب پنجاه نفر ما را داشته باشند؟) فرمود آنچه را آنها متحمل می‌گردند اگر شما ببینید، نمی‌توانید مانند آنها صبر کنید» (قطب‌الدین راوندی، ۱۴۰۹ق، ص ۱۱۴۹).

در این راستا امام حسین علیه السلام در روایتی به بیان رابطه میان انتظار و صبر می‌پردازد و علاوه بر آن به دو نکته اساسی اشاره می‌فرماید: ۱. کسانی که مزین به این دو شاخصه صبر و انتظار هستند، از نظر ارزشمندی به جایگاه مجاهدان در رکاب رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می‌رسند. ۲. علت این ارزشمندی و علت مهم بودن ارتباط میان انتظار و صبر به سبب مظلومیتی است که منتظران از اذیت و آزار مخالفان و تکذیب آنها می‌بینند: «أَمَّا إِنَّ الصَّابِرَ فِي غَيْبَتِهِ عَلَى الْأَذَى وَ التَّكْذِيبِ بِمَنْزِلَةِ الْمُجَاهِدِ بِالسَّيْفِ بَيْنَ يَدَي رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله؛ کسی که بر طول غیبت او صبر کند و در این راه اذیت و آزار ببیند، این مرد مثل این است که با شمشیر در رکاب رسول خدا صلی الله علیه و آله جنگ می‌کند» (شیخ صدوق، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۶۸).

به طور کلی روایاتی که به بیان وصف حال دوران غیبت و مردمان آن زمان می پردازند، زیاد از محرومیت‌ها و زیاد از مخاطرات آن دوران صحبت می کنند و بسیار از معضلات و چالش‌های اجتماعی، دینی و فرهنگی آن زمان یاد می کنند. شاهدش همین روایتی است که از امام حسین علیه السلام نقل شد و روایاتی است که در ادامه خواهد آمد.

امام صادق علیه السلام در خصوص صبر در دوران انتظار به سبب ترس و اذیت می فرماید: «أَلَا تَعْلَمُ أَنَّ مَنْ انْتَهَرَ أَمْرَنَا وَصَبَرَ عَلَيَّ مَا يَرَى مِنَ الْأَذَى وَالْخَوْفِ هُوَ عَدَا فِي زُمْرَتِنَا؛ امام صادق علیه السلام به ابوجعفر منصور می فرماید: آیا نمی دانی که هر که منتظر امر ما باشد و بر آزار و ترس خود صبر کند، فردا با ما محشور شود؟» (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۸، ص ۳۷).

باز حضرت می فرماید: «إِنَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ غَيْبَهُ الْمُتَمَسِّكُ فِيهَا بِدِينِهِ كَالْحَارِطِ لِلْقَتَادِ بِيَدِهِ ثُمَّ قَالَ هَكَذَا بِيَدِهِ فَأَيْكُمْ يَمْسِكُ شَوْكَ الْقَتَادِ بِيَدِهِ ثُمَّ قَالَ إِنَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ غَيْبَةَ فَلَيْتِي اللَّهُ عَبْدٌ وَ لَيْتَمَسَّكُ بِدِينِهِ؛ همانا صاحب الامر را غیبتی است. هر که در آن زمان دینش را نگه دارد، مانند کسی است که درخت خار قتاد را با دست بتراشد. سپس فرمود: این چنین و با اشاره دست مجسم فرمود کدام یک از شما می تواند خار آن درخت را به دستش نگه دارد. سپس فرمود: همانا صاحب الامر را غیبتی است. هر بنده‌ای باید از خدا پروا کند، و بدین خود بچسبد» (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۳۳۵).

در روایات بالا امام صادق علیه السلام علاوه بر بیان رابطه وثیق و معنادار میان انتظار و صبر به علت این رابطه و مهم بودن آن اشاره می کند که اهتمام آن به سبب اذیت و ترسی است که از ناحیه مخالفان متوجه منتظران می شود و باز حضرت در بیان سختی آن ایام و مشکلاتی که حفظ دین و دینداری وجود دارد، به کندن خار از درخت قتاد^۱ مثال می زند. سختی و مشکلات عصر غیبت که باید با صبر و مقاومت همراه باشد، به حدی

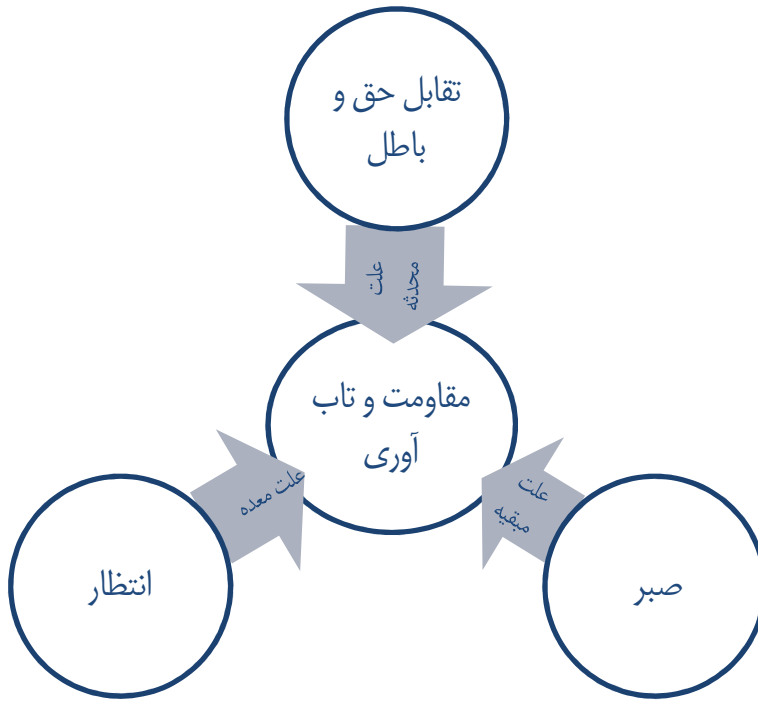
۱. قتاد درختی که خارهای زیادی دارد. حتی شترها که همه چیز را می خورند این درخت را نمی خورند جز در ایام خشکسالی که دیگر بوته و علفی پیدا نمی شود و جالب است که شترها هم به آسانی نمی توانند آن را بخورند، بلکه لازم است ابتدا آن را آتش زده تا خارهای آن از بین برود تا شترها بتوانند آن را بخورند (ابن منظور: ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۳۴۲).

است که امام صادق علیه السلام دینداری و حفظ آن را به مثابه کندن خار از درخت قتاد آن هم در جهت خلاف رویش خار می‌داند.

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «یا أبا الحسن حقیقٌ علی الله أن یدخل أهل الضلال الجنة و إنما عنی بهذا المؤمنین الذین قاموا فی زمن الفتنه علی الائتیمام بالامام الخفی المکان المستور عن الاعیان فهم بإمامته مقرؤن و بعزوته مستمسکون و لحزوجه منتظرون موقنون غیر شاکین صابرون مسلمون؛ یا ابالحسن شایسته است که خداوند گمشدگان را وارد بهشت کند. سپس امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: مقصود پیغمبر مؤمنانی هستند که در زمان غیبت به سر می‌برند و از امامی که جایش نامعلوم و خودش از نظرها غائب است، پیروی می‌کنند. آنها عقیده به امامت او دارند و به ولایتش چنگ می‌زنند، و منتظر آمدن او هستند و بدون هیچ شکی با صبر و تسلیم به وجود او ایمان دارند» (مجلسی، بی‌تا، ج ۵۲، ص ۱۴۴).

در پایان به نکاتی چند به عنوان جمع‌بندی می‌پردازیم: ۱. تقابل حق و باطل بسترگاه شاخصه مقاومت است (علت محدثه)؛ ۲. تداوم شاخصه مقاومت از ناحیه مقوله صبر تأمین می‌شود (علت مبقیه)؛ ۳. شاخصه مقاومت از ماهیت و مفهوم‌شناسی انتظار برداشت می‌شود (علت معده)؛ ۴. از آنجایی که تقابل حق و باطل در عصر غیبت به جهت فقدان امام و رهبر معصوم علیه السلام بیشتر است، بالطبع شاخصه صبر و مقاومت نیز در این دوران باید بیشتر باشد؛ ۵. ظهور و تأسیس دولت مهدوی پایان‌دهنده تقابل حق و باطل است (علت غائی)؛ ۶. پایان تقابل حق و باطل، پایان شاخصه مقاومت و تاب‌آوری است.

البته منظور از تقابل حق و باطل در اینجا تقابل حق و باطل اجتماعی است که با پیروزی سپاه حق، سپاه باطل از بین می‌رود و برای همیشه بشر پایان آن را برای اولین بار و آخرین بار تجربه می‌کند. طبیعی است وقتی باطل با رویکرد اجتماعی به دست امام مهدی علیه السلام از بین رفت و حق و حقیقت با رویکرد اجتماعی بدون رقیب و بدون منازعه ماند، در اینجا است که فقدان رقیب و دشمن، فقدان مقاومت و بردباری را به همراه دارد.



۴. انتظار و پرهیز از شتاب‌زدگی

از جمله درس‌ها و پیام‌هایی که می‌توان از انتظار گرفت درس طمأنینه و عدم شتاب‌زدگی است؛ یعنی فرد منتظر باید به شاخصه پر حوصلگی و اطمینان برسد و آن را در خویشتن، خانواده و جامعه نهادینه کند؛ زیرا در دوران غیبت و پنهانی زیستن امام زمان علیه السلام چنان‌که بیان شد مشکلات و معضلات فراوانی از نوع فرهنگی، دینی و اجتماعی دامنگیر جامعه باورمندان مهدوی می‌شود و بی‌تردید با آمدن امام و رهبر جهانی همه معضلات و مشکلات اجتماعی به دیار عدم رخت بر بسته و آسایش، رفاه و هنجارها جایگزین می‌شود و بشر و جوامع بشری در مسیر خوب زندگی کردن قرار می‌گیرند. حال اگر منتظران در مورد رسیدن این روز فرخنده و مطلوب که شادی و نشاط را برای بشریت به ارمغان می‌آورد و همه مردم از فرا رسیدن آن خوشحال و خرسند می‌شوند، عجله و بی‌حوصلگی به خرج دهند، بی‌تردید با این شتاب‌زدگی و

عجله کاری نه تنها به مقصود و هدف خود که همان گشایش، آسایش و فرج باشد نمی‌رسند، بلکه به سوی خلاف آن که همان ازدیاد معضلات و مشکلات باشد، سوق پیدا می‌کنند؛ زیرا گشایش و فرج هر امری تابع شرایط و قواعدی است که بسترساز تحقق آن امر است و در این میان تفاوتی ندارد که آن امر، امر دنیایی باشد یا دینی، بزرگ باشد یا کوچک، مادی باشد یا معنوی. این قاعده و قانون در همه موارد از جمله مهم‌ترین آنها یعنی امر ظهور نیز ساری و جاری است. باورمندان مهدوی که به خدا و رحمت او امیدوارند باید بدانند که در امر ظهور و گشایش کارها یک سری شرایط و بسترهای اساسی دخیل هستند که باید آنها از پیش مهیا و آماده باشند تا ظهور و گشایش رخ بنماید از این رو نباید مصرانه به دنبال ظهور باشند و آن را با عجله و شتاب تعقیب کنند.

چنان که امام صادق علیه السلام درباره آیه شریفه «أَتَى أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ» فرمودند: «هُوَ أَمْرُنَا أَمَرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ لَا تَسْتَعْجِلَ بِهِ حَتَّى يُؤَيِّدَهُ اللَّهُ بِثَلَاثَةِ أَجْنَادِ الْمَلَائِكَةِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالرُّعْبِ؛ امر خدا همان امر ما است که خدای عزّ و جلّ امر فرموده است که در آن باره شتاب نشود تا اینکه خدا او را به جنود سه گانه ملائکه، مؤمنان و رعب تأیید نماید» (نعمانی، ۱۳۹۷ق، ص ۱۹۸).

از محتوا و مضمون روایت این نکته برداشت می‌شود که نهی از عجله کردن به دلیل عدم تحقق سه امر یعنی ملائکه، مؤمنان و رعب است که در صورت تحقق یافتن آنها یعنی بستر رخداد ظهور فراهم می‌شود و باید بدون درنگ در امر ظهور عجله کرد. بی‌شک آماده‌نبودن دو امر یعنی ملائکه و رعب که مربوط به فعل الهی هستند، خیلی معنا ندارد؛ زیرا اراده الهی هر وقت بر آمادگی ملائکه و تحقق رعب استوار شود، بدون درنگ ملائکه آماده و رعب هم محقق می‌شود. مهم در اینجا بحث آمادگی مؤمنان است که در واقع مربوط به فعل بشر است؛ همان بشری که صاحب اختیار و اراده است. پس اصل عجله امر ناپسندی نیست، بلکه عجله برای ظهور که هنوز شرایط و زمینه‌هایش محقق نشده باشد، مذموم و ناپسند است و مورد نهی ائمه علیهم السلام قرار گرفته است. در اینجا است که بشر وظیفه دارد با اختیار و اراده خودش به سوی تحقق زمینه‌ها و شرایط البته

آن شرایط و زمینه‌هایی که مربوط به بشر است، با شتاب و عجله گام بردارد. پس خداوند در این آیه شریفه عجله مطلق را نهی نکرده است، بلکه عجله بدون تمهیدات را نهی کرده است؛ زیرا در اینجا با قضیه شرط و مشروط روبرو هستیم که مشروط همان تعجیل و شروط همان رخداد سه امر است؛ یعنی قرآن کریم در قالب شرط و مشروط (بر اساس داده‌های روایی) به مؤمنان وعده داده است که هرگاه شروط سه گانه تحقق پیدا کرد، حتماً ظهور با سرعت رخ خواهد داد؛ پس براساس داده‌های قرآن و روایی تحقق سه امر مزبور به نوعی تعجیل در ظهور را به همراه دارد و این نوع تعجیل نیز از منظر قرآن و سنت مذموم نیست.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّمَا هَلَكَ النَّاسُ مِنْ اسْتِعْجَالِهِمْ لِهَذَا الْأَمْرِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَعْجَلُ لِعَجَلَةِ الْعِبَادِ إِنَّ لِهَذَا الْأَمْرِ غَايَةَ يَنْتَهِي إِلَيْهَا فَلَوْ قَدْ بَلَّغُوا لَمْ يَسْتَقْدِمُوا سَاعَةً وَ لَمْ يَسْتَأْخِرُوا؛ همانا مردم از شتابزدگی برای این امر به هلاکت رسیدند. خدا به سبب شتاب مردم شتاب نمی‌کند. برای این امر موعد و غایتی است که بدان می‌رسد. اگر مردم به آن برسند، یک ساعت جلو و عقب ندارد» (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۳۶۹).

غایت و هدفی که در این روایت بدان اشاره شده، همان شرایط و زمینه‌هایی است که در روایت قبل بدان اشاره شد. در واقع با فراهم شدن آنها نهایت و غایت تحقق ظهور مهیا شده است. در اینجا است که بدون تقدم و تأخیری ظهور به وقوع می‌پیوندد. اگر قبل از فراهم آوری شرایط و بسترها به دنبال تحقق ظهور باشیم، در واقع مذمت استعجال شامل حال ما شده، نتیجه آن هلاکتی است که بر ما بار می‌شود.

امام صادق علیه السلام در پاسخ به سؤال مهزم که از طولانی بودن ظهور می‌پرسد می‌فرماید: «يَا مَهْرَمُ كَذَّبَ الْمُتَمَنُّونَ وَ هَلَكَ الْمُسْتَعْجِلُونَ وَ نَجَا الْمُسَلِّمُونَ وَ إِيْنَا يَصِيرُونَ؛ ای مهزم آرزومندان دروغ گفتند و شتاب کنندگان هلاک شدند و تسلیم شدگان نجات یافتند و به سوی ما باز خواهند گشت» (نعمانی، ۱۳۹۷، ص ۱۹۷).

از امام هادی علیه السلام نقل شده است: «و سُمِّيَ الْمُتَنَظِّرُ لِأَنَّ لَهُ عِيَّةَ يَطُولُ أَمْدُهَا فَيَتَنَظَّرُ خُرُوجَهُ الْمُحَلِّضُونَ وَ يَنْكِرُهُ الْمُؤْتَابُونَ وَ يَهْلِكُ الْمُسْتَعْجِلُونَ» (طبرسی، ۱۳۹۰، ص ۴۳۶).
عبدالعظیم حسنی عرض می‌کند: چرا به او منتظر گفته‌اند؟ فرمود: برای اینکه غیبتش به

طول خواهد انجامید و افراد مخلص در انتظار خروج او خواهند بود و منکران او را انکار می کنند و عجله کنندگان هلاک می شوند.

۵. استعجال مثبت و منفی

استعجال به دو قسم منطقی و غیرمنطقی تقسیم می شود که اولی ممدوح و مثبت و دومی مذموم و منفی است و از آن به شتاب زدگی تعبیر می شود. از داده های عقلی، قرآنی و روایی می توان این دو قسم استعجال را مستندسازی کرد؛ یعنی تقسیم شدن استعجال به مثبت و منفی و مجاز بودن استعجال مثبت با سه دلیل قرآنی، روایی و عقلی قابل اثبات است.

۱-۵. دلایل قرآنی

در قرآن در آیات مختلفی به شتاب و سرعت گرفتن به سوی کارهای خیر توصیه شده است. در برخی از آیات این توصیه به صورت دستوری در قالب صیغه امر بیان شده و در برخی دیگر سرعت گرفتن به سوی خیرات از جمله صفات مؤمنان تلقی شده است. «فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا؛ پس در کارهای نیک بر یکدیگر پیشی بگیرید. هر کجا که باشید، خداوند همگی شما را [به سوی خود باز] می آورد» (بقره، ۱۴۸).

«أُولَئِكَ يَسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَهُمْ لَهَا سَابِقُونَ؛ آنان اند (مؤمنان) که در کارهای نیک شتاب می ورزند و آنان اند که در انجام آنها سبقت می جویند» (مؤمنون، ۶۱).
«يَوْمَئِذٍ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ يُأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيَسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَأُولَئِكَ مِنَ الصَّالِحِينَ؛ به خدا و روز قیامت ایمان دارند و به کار پسندیده فرمان می دهند و از کار ناپسند بازمی دارند و در کارهای نیک شتاب می کنند» (آل عمران، ۱۱۴).

از آیات بالا و آیات دیگر که در قرآن آمده به خوبی دو نکته برداشت می شود: اول اینکه قرآن تقسیم استعجال به دو قسم مثبت و منفی را قبول دارد و آن را تأیید می کند. دوم اینکه به انجام استعجال مثبت امر کرده و آن را از نشانه های ایمان و صلاح دانسته است.

در تبیین بحث گفته می‌شود که در واقع میان روایات گفته شده که به مذمت استعجال پرداخته‌اند و مسلمانان را از آنها پرهیز می‌دهند با آیات بالا که به استعجال امر کرده‌اند و آن را از صفات مؤمنان و صالحان می‌دانند، به ظاهر تعارض و تقابل دیده می‌شود؛ اما در واقع تعارض و تهافتی میان آنها وجود ندارد، بلکه تقابل میان آیات و روایات تقابل عام و خاص، تقابل به مصادیق یا تقابل به انواع است.

۱. تقابل عام و خاص: در تقابل عام و خاص محتوا و مفهوم آیات به صورت عام امر به استعجال می‌کنند؛ ولی روایات به صورت خاص نفی از استعجال خاص (استعجال منفی) می‌کنند.

۲. تقابل به مصادیق: در تقابل به مصادیق، آیات امر به مصادیق استعجال مثبت می‌کنند؛ ولی روایات نهی از مصادیق استعجال منفی می‌کنند.

۳. تقابل به انواع: در تقابل به انواع، آیات امر به نوع استعجال مثبت می‌کنند؛ ولی روایات نهی از نوع استعجال منفی می‌کنند. پس میان آیات و روایات تعارضی نیست، بلکه میان آنها به نوعی همپوشانی وجود دارد.

۲-۵. دلایل روایی

در خصوص استعجال مثبت و توصیه معصومان علیهم‌السلام در انجام آن روایات بسیاری در منابع حدیثی آمده است. استعجال مثبت به دو قسم مطلق و مقید تقسیم می‌شود که برای هر دو نوع استعجال روایاتی نقل شده است. نوع اول روایاتی هستند که به صورت مطلق به تجویز استعجال پرداخته‌اند و مسلمانان را به سرعت گرفتن برای اجرای امر خیرات توصیه می‌کنند و نوع دوم روایاتی هستند که تنها به مسئله ظهور به عنوان بالاترین خیرات پرداخته‌اند و مردم را به تعجیل در آن و دعا کردن برای زودتر رسیدن آن تشویق می‌کنند.

امیر مؤمنان علی علیه‌السلام در این خصوص می‌فرماید: «أَغْبَطُ النَّاسِ الْمُسَارِعُ إِلَى الْخَيْرَاتِ؛ نیکو حال‌ترین مردم کسی است که شتابان باشد به سوی خیرات» (آمدی، ۱۳۶۶، ص ۱۰۵). همچنین امام صادق علیه‌السلام در زیارت امام علی علیه‌السلام می‌فرماید: «و اجْعَلْنِي مِمَّنْ يَسَارِعُ فِي

الْخَيْرَاتِ» (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۵۸۸). معصومان علیهم‌السلام در روایات بالا بحث سرعت گرفتن به سوی خیرات را با اهتمام و جدیت تمام بیان کرده و سبقت‌گیرنده به سوی خیرات را بهترین انسان دانسته‌اند. این نوع روایات که در منابع حدیثی فراوان آمده‌اند، به‌طورمطلق همه انواع استعجال مثبت را تأیید می‌کنند.

در برابر استعجال مثبت مطلق، استعجال مثبت مقید قرار دارد که تنها به امر ظهور و تعجیل در رخداد آن می‌پردازد. در این خصوص روایات زیادی نقل شده اس که در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌شود. امام حسن عسکری علیه‌السلام به احمد بن اسحاق فرمود: «وَاللَّهُ لَيَغِيْبَنَّ غَيْبَةً لَا يَنْجُو فِيهَا مِنَ الْهَلَكَةِ إِلَّا مَنْ تَبَتَّهُ اللَّهُ (عَزَّ وَجَلَّ) عَلَى الْقَوْلِ بِإِمَامَتِهِ وَوَفَّقَهُ فِيهَا لِلدُّعَاءِ بِتَعْجِيلِ فَرْجِهِ؛ به خدا قسم (مهدی) غیبتی می‌کند که کسی از مهلکه آن (بی‌دینی و گمراهی) نجات نمی‌یابد، جز آنان که خداوند آن‌ها را در عقیده به امامتش ثابت‌قدم داشته و موفق کرده است تا برای تعجیل در فرجش دعا کنند (تا خداوند زودتر او را ظاهر گرداند)» (حرانی، ۱۳۶۳، ص ۱). در توقیع شریفی از حضرت مهدی علیه‌السلام وارد شده است: «وَأَكْثِرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرْجِ فَإِنَّ ذَلِكَ فَرْجُكُمْ؛ برای تعجیل در فرج من بسیار دعا کنید؛ زیرا گشایش کارهای شما در آن است» (صدوق، ۱۳۹۵ق، ج ۲، ص ۴۸۵؛ طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۴۷۱).

۳-۵. دلایل عقلی

کمال‌خواهی و کمال‌طلبی انسان یکی از دلایل عقلی است که به توجیه استعجال مثبت می‌پردازد. براساس داده‌های عقلی هر چیزی که در مسیر کمال‌خواهی و کمال‌طلبی انسان قرار گیرد و بستر رشد و ترقی مادی و معنوی انسان را فراهم کند، از منظر عقل پسندیده و انجام آن مورد تأیید است. به‌طور کلی از منظر فطرت بینشی و گرایش‌هایی که تداعی‌گری عقل‌نظری و عقلی عملی است، فلسفه وجودی خلقت، کمال‌یابی و قرارگرفتن انسان در این مسیر است و هر ابزار و فرایندی که این مسیر را برای انسان هموار کند و زودتر او را به هدف و غایت خلقت که همان کمال و تعالی است برساند، مورد تأیید عقل است. بی‌شک انجام کارهای خوب و خیرات و تسریع در

اجرای آنها در واقع به نوعی سرعت گرفتن در مسیر هدفی است که عقل آن را تعیین کرده است بر این اساس آیه شریفه «فاستبقوا الخیرات» به نوعی تأیید داده‌های عقلی در این امور است؛ از این رو وقتی که خیرات و سرعت در انجام آن مورد تأیید و سفارش عقل باشد، به طور حتم ظهور که عالی‌ترین و کارآمدترین نوع خیرات است، بیشتر مورد سفارش و تأیید عقل قرار می‌گیرد.

نتیجه‌گیری

انتظار در میان باورهای اسلامی دارای جایگاه و کارکرد مهمی است و همه گروه‌های اسلامی با اختلافات فرهنگی و مذهبی به نوعی بدان التزام اعتقادی و عملی دارند. نقش انتظار در هدایت بخشی و ساماندهی زندگی فردی و اجتماعی مسلمانان نقش مهم و تأثیرگذاری است. تأثیرگذاری آن نه تنها در ساحت فردی و امورات شخصی، بلکه در ساحت اجتماعی و امورات جمعی منتظران نیز مطرح است. پس کارکرد انتظار به دو قسم فردی و اجتماعی تقسیم می‌شود و کارکرد فردی و اجتماعی نیز هر کدام به دو قسم ایجابی و سلبی تقسیم پذیرند. در این نوشتار به دو شاخصه فردی انتظار که یکی مربوط به رویکرد ایجابی نظیر مقاومت و تاب‌آوری و دیگر مربوط به رویکرد سلبی نظیر استعجال و شتاب‌زدگی است، پرداخته شده است. مقاومت و تاب‌آوری از جمله شاخصه‌های مهم انتظار است که از تحلیل مضمون انتظار و نیز از طریق روایات انتظار قابل توجیه است و استعجال و شتاب‌زدگی از جمله مقوله‌های مهمی است که در انتظار مورد بحث و گفتگو قرار گرفته و به دو قسم استعجال مثبت و منفی تقسیم می‌شود. استعجال منفی از منظر انتظار مردود و مذموم معرفی می‌گردد و استعجال مثبت از منظر انتظار مقبول و ممدوح است و با سه دلیل قرآنی، روایی و عقلی توجیه می‌شود.

فهرست منابع

* قرآن کریم.

۱. آصفی، محمد مهدی. (۱۳۸۱). انتظار پویا. مجله انتظار موعود، ۲(۶)، صص ۹۵-۱۱۰.
۲. آمدی، عبدالواحد. (۱۳۶۶). تصنیف غرر الحکم و درر الکلم. قم: دفتر تبلیغات حوزه علمیه.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۶ق). لسان العرب. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۴. اسکید مور، ویلیام. (۱۳۷۲). تفکر نظری در جامعه‌شناسی. تهران: چاپ نشر سفید.
۵. اصفهانی، راغب. (۱۴۱۲ق). مفردات. بیروت: دارالاسلامیه.
۶. الهی نژاد، حسین. (۱۳۹۵). تبیین قرآنی نقش مقاومت در حکومت جهانی مهدوی. فصلنامه مطالعات علوم قرآن، ۲(۴)، صص ۱۰۸-۱۳۴.
۷. الهی نژاد، حسین. (۱۳۹۹). بررسی و تحلیل انتظار در اهل سنت. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۸. بستانی، فواد افرام. (۱۳۵۷). فرهنگ ابجدی (چاپ دوم). تهران: انتشارات اسلامی.
۹. بیاضی، علی بن یونس. (بی تا). الصراط المستقیم (مصحح: محمد باقر بهبودی). [بی جا]: المکتبه المرتضویه لإحياء الآثار الجعفریه.
۱۰. حرانی، ابن شعبه. (۱۳۶۳). تحف العقول (مصحح و تعلیق: علی اکبر غفاری). قم: جامعه مدرسین.
۱۱. خامنه‌ای، سید علی. (۹۸/۳/۱۴). بیانات در مراسم سی‌امین سالگرد رحلت امام خمینی. برگرفته از: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری، <https://b2n.ir/a43957>.
۱۲. خویی، سید ابوالقاسم. (۱۴۱۳). صراط النجاة (محقق: میرزا جواد تبریزی). قم: دارالصدیقه الشهیده.
۱۳. زبیدی، محمد مرتضی. (۱۴۱۴ق). تاج العروس (محقق: علی شیری). بیروت: دارالفکر.
۱۴. سحرخوان، محمد. (۱۳۹۹). راهبردهای مقاومت در دوره انتظار از منظر قرآن کریم، فصلنامه مطالعات علوم قرآن، ۲(۴)، صص ۱۳۶-۱۹۴.
۱۵. صدوق، محمد. (۱۳۷۲). عیون الاخبار الرضا علیه السلام (مترجم: حمیدرضا مستفید و علی اکبر غفاری)، تهران: نشر صدوق.

۱۶. صدوق، محمد. (۱۳۹۵ق). کمال الدین (چاپ دوم). تهران: اسلامیه.
۱۷. صدوق، محمد. (۱۴۱۳ق). من لایحضره الفقیه (چاپ دوم) قم: جامعه مدرسین.
۱۸. طبرسی، احمد. (۱۴۰۳ق). احتجاج. مشهد: مرتضی.
۱۹. طبرسی، فضل. (۱۳۹۰ق). اعلام الوری (چاپ سوم). تهران: اسلامیه.
۲۰. طریحی، فخرالدین. (۱۳۷۵). مجمع البحرین. تهران: انتشارات مرتضی.
۲۱. قضاعی، محمد. (۱۴۰۲ق). شرح شهاب الاخبار. تهران: مرکز علمی و الثقافی للنشر.
۲۲. قطب‌الدین راوندی، سعید. (۱۴۰۹ق). خرائج و جرایح. قم: مؤسسه امام مهدی علیه السلام.
۲۳. کلینی، محمد. (۱۳۶۲). الکافی (چاپ دوم). تهران: اسلامیه.
۲۴. کولب، ویلیام؛ گولد، جولیس. (۱۳۹۲). فرهنگ علوم اجتماعی (مترجم: باقر پرهام) تهران: ناشر مازیار.
۲۵. مجلسی، محمدباقر. (بی تا). بحار الانوار. تهران: اسلامیه.
۲۶. نعمانی، محمد. (۱۳۹۷ق). الغیبه. تهران: نشر صدوق.

References

* The Holy Quran.

1. Amadi, A. (1366 AP). *Tasnif Ghurar al-Hikam wa Dorar al-Kalem*. Qom: The seminary propaganda office. [In Persian]
2. Asefi, M. M. (1381 AP). Dynamic waiting. *Journal of the Promised Waiting*, 2(6), pp. 95-110. [In Persian]
3. Bayazi, A. (n.d.). *al-Sirat al-Mustaqim*. Al-Mortazaviyah Library for the Revival of the Works of Al-Jaafariyah. (Behboodi, M. B, Ed.).
4. Bostani, F. (1357 AP). *Abjadi Dictionary*. (2nd ed.). Tehran: Islamic Publications. [In Persian]
5. Elahinejad, H. (1395 AP). *A Study and Analysis of waiting in Sunnis*. Qom: Islamic Sciences and Culture Academy. [In Persian]
6. Elahinejad, H. (1395 AP). Qur'anic explanation of the role of resistance in the Mahdavi world government. *Journal of Qur'anic Studies*, 2(4), pp. 108-134. [In Persian]
7. Harani, I. (1363 AP). *Tuhaf al-Uqul*. (Ghafari, A. A, Ed.). Qom: Teachers Association. [In Persian]
8. Ibn Manzour, M. (1416 AH). *Lisan al-Arab*. Beirut: Dar Ihya al-Toras al-Arabi. [In Arabic]
9. Isfahani, R. (1412 AH). *Mufradat*. Beirut: Dar al-Islamiyah. [In Arabic]
10. Khamenei, S. A. (1398 AP). Statements on the occasion of the 30th anniversary of the death of Imam Khomeini, Website of the Office of the Supreme Leader, from: <https://b2n.ir/a43957>. [In Persian]
11. Khoei, S. A. (1413 AH). *Sirat al-Nijah. Research of Mirza Tabrizi*. Qom: Dar al-Sadiqah al-Shahidah. [In Arabic]
12. Kolb, W., & Gold, J. (1392 AP). *Dictionary of Social Sciences*. (Parham, P, Trans.) Tehran: Maziar Publications. [In Persian]
13. Koleyni, M. (1362 AP). *Al-Kafi*. (2nd ed.). Tehran: Islamieh. [In Persian]
14. Majlesi, M. B. (n.d.). *Bihar al-Anwar*. Tehran: Islamieh.

15. Numani, M. (1397 AH). *al-Qeibah*. Tehran: Sadough Publications. [In Arabic]
16. Qaza'ei, M. (1402 AH). *Description of Shahab Al-Akhbar*. Tehran: Scientific and Cultural Center for Publishing. [In Arabic]
17. Qutbuddin Ravandi, S. (1409 AH). *Khara'ej va Jarayeh*. Qom: Imam Mahdi Institute. [In Arabic]
18. Saduq, M. (1372 AP). *Ayoun al-Akhbar al-Reza*. (Mostafid, H. R., & Ghaffari, A. A., Trans.), Tehran: Sadough Publications. [In Persian]
19. Saduq, M. (1395 AH). *Kamaluddin*. (2nd ed.). Tehran: Islamieh. [In Arabic]
20. Saduq, M. (1413 AH). *Man la Yahzaro al-Faqih*. (2nd ed.) Qom: Teachers Association. [In Arabic]
21. Saharkhan, M. (1399 AP). Strategies of Resistance in the Waiting Era from the Perspective of the Holy Qur'an, *Journal of Qur'anic Studies*, 2(4), pp. 136-194. [In Persian]
22. Skid Moore, W. (1372 AP). *Theoretical thinking in sociology*. Tehran: Sefid Publications.
23. Tabarsi, A. (1403 AH). *Ihtijaj*. Mashhad: Morteza Publications. [In Arabic]
24. Tabarsi, F. (1390 AH). *A'alam Al-Wari*. (3rd ed.). Tehran: Islamieh. [In Arabic]
25. Tarihi, F. (1375 AP). *Majma' al-Bahrain*. Tehran: Morteza Publications. [In Persian]
26. Zobeidi, M. M. (1414 AH). *Taj al-Arous*. (Shiri, A, Ed.). Beirut: Dar al-Fikr. [In Arabic]